



الگوی مؤثر فقه اقتصادی اسلام بر شیوه‌های حسابداری و مدیریت

عبدالرحمان ابوالقاسمی^۱

سید عباس برهانی^۲*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

چکیده

فقه اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از اصول و احکام شرعی است که مبنای مشروعیت و عدالت در فعالیت‌های اقتصادی را تعیین می‌کند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های تحت تأثیر این اصول، حسابداری و مدیریت مالی است که نقش اساسی در شفافیت، صیانت از حقوق ذی‌نفعان و جلوگیری از معاملات ربوی دارد. علی‌رغم اجرای بانکداری اسلامی در ایران، چالش‌هایی در انطباق کامل گزارشگری مالی با موازین شرعی وجود دارد؛ از این رو، بررسی دقیق اثرگذاری فقه اقتصادی بر نظام‌های حسابداری و مدیریت مالی ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش، شناسایی و تبیین ابعاد و مؤلفه‌های تأثیرگذار فقه اقتصادی اسلام بر شیوه‌های حسابداری و مدیریت مالی اسلامی و ارائه یک مدل مفهومی بومی است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش ترکیبی (کیفی- کمی) است. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان (دانشگاهی و صنعت مالی اسلامی) جمع‌آوری و با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی شد. گذرداری به صورت مستقل توسط دو پژوهشگر انجام و برای سنجش پایایی بین‌گذدارها از ضریب کاپا استفاده شد که مقدار ۰٫۷۶ را نشان داد و بیانگر توافق بالا بود. در بخش کمی، برای سنجش روایی محتوایی مؤلفه‌های شناسایی‌شده از شاخص CVR استفاده شد (میانگین ۰٫۸۱ > حداقل ۰٫۶۰). تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار اکسل انجام شد. نتیجه تحلیل‌ها، شناسایی ۱۰۰ کد اولیه، ۵۰ کد باز، ۱۰ کد اصلی و ۵ مقوله محوری بود. یافته‌های پژوهش نشان داد فقه اقتصادی اسلام از طریق پنج مقوله محوری: شفافیت و امانتداری مالی؛ مشروعیت معاملات و منع ربا؛ عدالت مالی و حق الناس؛ نظارت شرعی و پاسخگویی و استانداردهای ملی حسابداری اسلامی، به صورت مستقیم بر سیاست‌ها، استانداردها و روش‌های حسابداری و مدیریت مالی تأثیرگذار است. این عوامل موجب کاهش فساد مالی، تقویت اعتماد عمومی، ارتقای کیفیت گزارشگری و دستیابی به عدالت اقتصادی می‌شوند. در نتیجه، استقرار مؤثر فقه اقتصادی اسلام در نظام مالی نیازمند اصلاح استانداردهای حسابداری، توسعه ابزارهای نظارت شرعی، آموزش تخصصی و طراحی

^۱ گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

^۲ گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول):

چارچوب گزارشگری اسلامی است. بر این اساس، مدل ارائه‌شده می‌تواند مبنایی برای توسعه سیاست‌های حسابداری و مدیریت مالی اسلامی در ایران باشد.

واژگان کلیدی: فقه اقتصادی اسلام؛ حسابداری اسلامی؛ مدیریت مالی اسلامی؛ مشروعیت معاملات؛ نظارت شرعی؛ عدالت مالی.

۱. مقدمه

اسلام به اقتضای جامعیت خود پاسخ‌گوی نیازهای بشر در همه ابعاد زندگی است و یکی از این ابعاد زندگی را مشکلات اقتصادی تشکیل می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹). علیرغم پیشرفت‌های گسترده در سیستم‌های گزارشگری مالی، اقتصاد معاصر همچنان با چالش‌هایی مانند بحران‌های مالی، عدم شفافیت، فساد سازمانی، توزیع ناعادلانه منابع و تسلط سیستم مبتنی بر بهره‌مواجه است (خان و میرآخور^۱، ۲۰۱۵). از سوی دیگر، تقاضای روزافزون جوامع اسلامی برای شکل‌گیری اقتصاد مبتنی بر شریعت، نیاز به بازنگری در شیوه‌های حسابداری و مدیریت مالی را برجسته کرده است. فقه اقتصاد اسلامی، اصول اساسی مانند نتایج منصفانه فعالیت اقتصادی، قابل اعتماد بودن در گزارشگری مالی، ممنوعیت ربا، ممنوعیت غرر و قمار، حقوق مردم در گردش سرمایه و مشارکت در سود و زیان را به عنوان محور روابط مالی در نظر می‌گیرد (یوسفی، ۱۳۹۵). این اصول نه تنها قوانین شریعت، بلکه چارچوبی برای حاکمیت مالی اخلاقی نیز ارائه می‌دهند و انتظار می‌رود نقش اساسی در طراحی استانداردهای حسابداری ایفا کنند (حنیفه و حدیب^۲، ۲۰۰۷). ارکان سه‌گانه دین اسلام یعنی اعتقادات، اخلاقیات و احکام به عنوان مسلمات و یقینات، به مثابه نقطه اطمینان‌بخش و سکویی مطمئن برای جستاری نظری در اندیشه اقتصادی اسلامی قرار گرفته است (شاه‌سنایی و همکاران، ۱۴۰۰). با این حال، سیستم‌های حسابداری فعلی عمدتاً از منابع دانش غربی گرفته شده‌اند و تفاوت قابل توجهی با مفاهیم مبتنی بر ارزش اسلامی دارند. به عنوان مثال:

- مبنای بهره، که در فقه اسلامی ممنوع است، نقش محوری در استانداردهای مالی متعارف ایفا می‌کند (حسینی، ۱۳۸۲).

¹ Khan & Mirakhor

² Haniffa & Hudaib

- اصل منافع سرمایه‌گذار جایگزین مفهوم حمایت از حقوق ذینفعان در اقتصاد اسلامی شده است.
- تمرکز حسابداری مدرن بر سود کوتاه‌مدت مغایر با دیدگاه فقه اسلامی در مورد پایداری اقتصادی و عدالت اجتماعی است (وحیدنیا، ۱۳۹۰).
- در ایران، علیرغم استقرار بانکداری اسلامی و تصویب قوانین مبتنی بر فقه شیعه، سیستم حسابداری همچنان وابسته به استانداردهای بین‌المللی است که بر اساس منطق بازارهای مالی غرب تدوین شده‌اند (یوسفی، ۱۳۹۵). این شکاف نظری و عملی در عمل منجر به موارد زیر می‌شود:
- ناسازگاری برخی گزارش‌های مالی با احکام شرعی،
- نظارت محدود شرعی بر عملیات حسابداری،
- چالش‌های دستیابی به عدالت مالی در مؤسسات اقتصادی،
- و کاهش اعتماد عمومی به نظام مالی اسلامی (حنیفه و حدیب، ۲۰۰۷).
- بنابراین، تدوین چارچوبی ملی برای حسابداری و مدیریت مالی در سازمان‌ها بر اساس منابع فقه اقتصادی اسلام ضروری است؛ چارچوبی که ضمن پاسخگویی به استانداردهای حرفه‌ای حسابداری، به ارزش‌های شریعت و حقوق ذینفعان نیز متعهد باشد.
- مسئله اصلی تحقیق این است:
- فقه اقتصادی اسلام چگونه و تا چه حد می‌تواند بر اصول و رویه‌های حسابداری و مدیریت مالی تأثیر بگذارد و چه مدلی را می‌توان برای بومی‌سازی این نظام بر اساس اصول شریعت ارائه داد؟
- این تحقیق با هدف پر کردن شکاف بین نظام نظری فقه اقتصادی و عملیات گزارشگری مالی انجام شده و تلاش می‌کند نقش مؤثری در توسعه حسابداری اسلامی، شفافیت مالی و عدالت اقتصادی ایفا کند.

۲. مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش در سه لایه مفهومی اصلی قابل تبیین است: فقه اقتصادی اسلام و اصول بنیادین آن؛ حسابداری اسلامی و تفاوت‌های نظری با حسابداری متعارف؛ مدیریت مالی اسلامی و تأثیر آن بر ساختار گزارشگری. علاوه بر این، ساختار نظری مقاصد شریعت (مصلحت‌محور) نیز به عنوان چارچوب تبیینی در این بخش به کار گرفته می‌شود.

❖ فقه اقتصادی اسلام و اصول بنیادین و مبانی معرفتی

تبیین چستی نظام اقتصادی و اثبات هستی نظام اقتصادی اسلام در مقام ثبوت و امکان کشف آن در مقام اثبات سه بحث زیربنایی است که در فلسفه نظام اقتصادی بحث می‌شود و برای ورود به مباحث درجه اول نظام اقتصادی و نیز فقه نظام اقتصادی لازم است (میر معزی، ۱۴۰۰). فقه اقتصادی اسلام، رویکردی جهت‌دار، ارزش‌محور و عدالت‌محور برای هدایت نظام مالی ارائه می‌دهد (چاپرا، ۲۰۰۸). این دیدگاه، اقتصاد را امری امانت‌دارانه و وابسته به رعایت حقوق جامعه می‌داند (صدیقی، ۲۰۰۶). طبق تئوری مقاصد شریعت (مقصودگرایی)، هدف اقتصاد اسلامی، صیانت از پنج اصل بنیادین است: دین، جان، عقل، نسل و مال (حفظ‌المال در این پژوهش کلیدی است). در حسابداری، حفظ‌المال یعنی: جلوگیری از تضییع دارایی‌ها، ثبت امینانه و واقعی و افشای کامل اطلاعات مؤثر بر حقوق مردم. در این نگاه، حسابداری نه فقط گزارش سود، بلکه رعایت امانت الهی و اجتماعی است.

فقه اقتصادی اسلام، نظامی ارزشی و تکاملی برای تنظیم روابط مالی است که هدف آن دستیابی به عدالت توزیعی، حفظ اعتماد به اموال و جلوگیری از فساد اقتصادی است (چاپرا^۱، ۲۰۰۸). مهمترین اصول مؤثر بر گزارشگری مالی عبارتند از:

- منع ربا: هدف این اصل جلوگیری از سلطه سرمایه بر کار بوده و از پیامدهای اجرای این اصل برای حسابداری، ضرورت حذف بهره و اصلاح حساب‌های سود می‌باشد.
 - مشارکت در سود و زیان: هدف این اصل توزیع عادلانه ریسک است. از پیامدهای اجرای این اصل برای حسابداری، تغییر در روش‌های سنجش عملکرد مالی است.
 - شفافیت و افشای کامل اطلاعات: این اصل به دنبال پاسداری از حق الناس مالی است. توسعه گزارشگری مبتنی بر اخلاق، محوریت این اصل را تشکیل می‌دهد.
 - حفظ مالکیت مشروع: جلوگیری از غرر و قمار از اهداف اصل حفظ مالکیت مشروع است. دقت در ثبت معاملات با مشروعیت شرعی از پیامدهای آن به‌شمار می‌رود.
 - عدالت اجتماعی: این اصل به دنبال جلوگیری از تمرکز ثروت است. محاسبه اثرات اجتماعی تصمیمات مالی از پیامدهای اجرای این اصل برای حسابداری است.
- دین مبین اسلام علاوه بر سودآوری، مسئولیت اجتماعی بنگاه اقتصادی را نیز الزامی می‌داند (صدیقی، ۲۰۰۶) که این امر بر نقش اخلاق در حسابداری تأکید بیشتری دارد (لولین^۱، ۲۰۰۷).

^۱ Chapra

❖ **حسابداری اسلامی**

جهان‌بینی و ارزش‌های مختلف به سیستم‌های اقتصادی متفاوتی منجر می‌شود و سیستم‌های اقتصادی به نوبه خود سیستم‌های حسابداری خاص خود را می‌طلبند (دیانتی دیلمی و همکاران، ۱۳۹۵). حسابداری اسلامی شاخه جدیدی است که تلاش می‌کند اهداف شریعت در زمینه عدالت مالی، شفافیت و مشروعیت معاملات را در چارچوب استانداردهای گزارشگری بگنجانند (حسینی، ۱۳۸۲)

ویژگی‌های تعریف‌شده حسابداری اسلامی:

- تکیه بر ارزش‌های اخلاقی و قضاوت شرعی
 - توجه به حقوق همه ذینفعان به جای تمرکز صرف بر سرمایه‌گذار
 - در نظر گرفتن تأثیرات اجتماعی، شرعی و انسانی معاملات اقتصادی
 - رعایت استانداردهای سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی^۲ در افشا و اندازه‌گیری (سازمان استاندارد حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، ۲۰۲۰).
- در این دیدگاه، حسابداری صرفاً یک ابزار مالی نیست، بلکه واسطه‌ای برای پاسخگویی به خدا و جامعه است (مالی و همکاران^۳، ۲۰۰۶). در دهه‌های اخیر، پاسخگویی عملیاتی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی حکمرانی خوب و کارآمد، در بخش عمومی کشورها اهمیت ویژه‌ای یافته است. پاسخگویی عملیاتی، نه تنها به افزایش شفافیت و اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه بهبود کارایی، اثربخشی و عدالت در ارائه خدمات عمومی را نیز به دنبال دارد (پیری و همکاران، ۱۴۰۴).

❖ **تفاوت‌های حسابداری اسلامی و حسابداری مرسوم**

دین اسلام آیینی کامل و جامع است و برای تمامی بخشها و ابعاد زندگی بشری دارای برنامه است. این جامعیت درحوزه‌های اقتصادی و مالی هم صدق می‌کند. از طرفی چارچوبهای تئوریک امروزی حسابداری نشأت گرفته از کشورهای غربی بوده که متأثر از آیین مسیحیت است. و دارای تضادهایی با آیین اسلام است (احمدی و علی وند، ۱۴۰۳). در ادامه تفاوت‌های حسابداری اسلامی و حسابداری مرسوم از برخی جنبه‌های مهم تشریح می‌شوند.

¹ Llewellyn

² AAOIFI

³ Maali et al

۱. حسابداری متعارف بر نظریه‌های سرمایه‌محور بنا شده است، در حالی که حسابداری اسلامی، هدف‌محور و ارزش‌مدار است.
۲. مبنای نظری حسابداری متعارف اقتصاد سرمایه‌داری است، درحالی‌که در حسابداری اسلامی، شریعت و عدالت اقتصادی است.
۳. هدف گزارشگری حسابداری متعارف سود سرمایه‌گذار است، درحالی‌که در حسابداری اسلامی، حفظ حقوق عمومی و مشروعیت است.
۴. منبع مشروعیت حسابداری متعارف استانداردهای حرفه‌ای است، درحالی‌که در حسابداری اسلامی، احکام شرعی و حرفه‌ای است.
۵. ابزارهای تأمین مالی در حسابداری مرسوم بر مبنای بهره‌محوری بنا شده است، درحالی‌که در حسابداری اسلامی، مشارکت‌محور (مضاربه، مشارکت) است.
۶. توجه به اخلاق در حسابداری مرسوم، محدود بوده ولی در حسابداری اسلامی در زمره بنیاد نظام گزارشگری است.

این تفاوت‌ها، نیاز به بازنگری استانداردهای حسابداری برای انطباق با رویه قضایی را برجسته می‌کند (منیر و اسلم^۱، ۲۰۱۵). تطبیق احکام اسلامی (فقه) با نیازهای زندگی امروزی و اصلاح ساختار اقتصادی از ضروریتهاست (طجرلو و حسینی الموسوی، ۱۳۹۳). از سویی دیگر، حسابداری اسلامی، رویکردی است که: اقتصاد واقعی‌محور است نه سفته‌بازانه، قضاوت شرعی را در کنار قضاوت حرفه‌ای قرار می‌دهد و به‌جای سود صاحبان سهام، تمام ذی‌نفعان را لحاظ می‌کند (حنیفه و حدیب، ۲۰۰۷). در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که در نظام متعارف، سود اقتصادی معیار اصلی حسابداری است و در حسابداری اسلامی، مشروعیت سود نیز ملاک می‌باشد.

❖ مدیریت مالی در چارچوب اقتصاد اسلامی

مدیریت مالی اسلامی بر کارایی اقتصادی همراه با اخلاق و عدالت تأکید دارد (یوسفی، ۱۳۹۵). مهم‌ترین عناصر نظری آن عبارتند از: تخصیص بهینه منابع با رعایت احکام شرعی؛ پرهیز از ابزارهای سوداگرانه و غیرمولد؛ تمرکز بر کارآفرینی واقعی و تولید ارزش اقتصادی و اجتماعی؛

¹ Munir & Aslam

سنجش کارایی بر اساس پایداری و منافع عمومی. بنابراین در این سیستم، مفهوم ریسک نیز متفاوت است، زیرا باید در کنار سود مشروع و واقعی توزیع شود (ذوالکفلی و عمران،^۱ ۲۰۱۶). مدیریت مالی اسلامی بر سه اصل کلیدی استوار است: ارزش‌افزایی واقعی، ریسک‌پذیری عادلانه، نظارت شرعی بر منابع مالی. این چارچوب سبب می‌شود تا اقلام مالی غیرمشروع حذف یا اصلاح شوند و مفهوم ریسک و ارزش‌گذاری بازتعریف شود و در نهایت نیز اهداف مالی با مسئولیت اجتماعی گره بخورد. بنابراین، مدیریت مالی اسلامی مستقیماً بر نحوه سرمایه‌گذاری، ساختار تأمین مالی و تحلیل عملکرد مالی تأثیرگذار است (زبیر و دریفیلد،^۲ ۲۰۱۴).

بر اساس ادبیات موجود، انسجام نظری میان فقه اقتصادی و حسابداری اسلامی وجود دارد اما در سطح اجرا فاصله معناداری باقی است، این پژوهش با هدف پر کردن این شکاف، تأثیر اصول فقهی بر شیوه‌های حسابداری و مدیریت مالی را تحلیل، تبیین و مدل‌سازی می‌کند. عمده‌ترین دلایل ضرورت پژوهش در باب حسابداری اسلام این است که: اصول فقه اقتصادی بر استانداردهای حسابداری قابل اعمال است و حسابداری اسلامی از نظر مفهومی شکل گرفته اما از نظر اجرایی ناقص است و با توجه به اینکه مدیریت مالی اسلامی بدون حسابداری اسلامی قابل تحقق نیست نیاز به بازطراحی گزارشگری و رفع شکاف بین استانداردهای گزارشگری مرسوم و فقه اسلامی وجود دارد بنابراین ایجاد چارچوب ملی حسابداری اسلامی از دلایل اهمیت این پژوهش به‌شمار می‌رود.

❖ مدیریت مالی اسلامی و ارتباط آن با حسابداری

مدیریت مالی اسلامی مجموعه‌ای از سیاست‌ها، ابزارها و فرآیندهایی است که جریان منابع مالی را در چارچوب اصول و قواعد شریعت تنظیم می‌کند؛ به گونه‌ای که ضمن دستیابی به اهداف اقتصادی و کارایی، عدالت توزیعی، مشروعیت و اخلاق مالی نیز تضمین شود (میرآخور و اقبال،^۳ ۲۰۱۷). در این رویکرد، تصمیم‌گیری مالی محدود به سنجش سودآوری نیست، بلکه پایداری اجتماعی، مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه و دستیابی به رشد مبتنی بر ارزش‌های اسلامی نیز از اهداف اصلی محسوب می‌شوند (مخلیسن،^۴ ۲۰۲۲).

¹ Zulkifli & Amran

² Zubair & Driffield

³ Mirakhor & Iqbal

⁴ Mukhlisin

از این منظر، مدیریت مالی اسلامی پیوند ماهوی با مبانی فقه اقتصادی دارد و این پیوند، نقش حسابداری را به عنوان زبان گزارشگری و ابزاری برای قضاوت شرعی و اقتصادی به شدت برجسته می‌کند.

• مدیریت مالی اسلامی و نیاز به حسابداری: مدیریت مالی اسلامی بر مجموعه‌ای از اصول استوار است که الزاماً در گزارشگری مالی و حسابداری منعکس می‌شوند:

- منع ربا (بهره): در اسلام هرگونه سود تضمین‌شده بدون مشارکت در ریسک ممنوع است، بنابراین ثبت درآمدهای مبتنی بر بهره در صورت‌های مالی نیازمند حذف یا جایگزینی با درآمد مشروع است.
- مشارکت در سود و زیان: محور اساسی ابزارهای مالی اسلامی بر عقود مشارکتی (مضاربه، مشارکت، مباحه و ...) بنا شده است و حسابداری باید روش‌های سنجش عملکرد را براساس توزیع واقعی ریسک طراحی کند.
- شفافیت و پاسخگویی مالی: حسابداری موظف است اطلاعات لازم برای نظارت شرعی و جلوگیری از فساد را افشا کند.
- تخصیص پایدار منابع: در رویکرد اسلامی سرمایه‌گذاری در بخش‌های سوداگرانه و غیرمولد (قمار، غرر) ممنوع است و حسابداری باید مسائل پایداری و ارزش‌آفرینی واقعی را منعکس کند (احمد و خاتون^۱، ۲۰۲۱).

این اصول نشان می‌دهد مدیریت مالی اسلامی بدون حسابداری کارآمد و شرعی‌محور، عملاً قابل اجرا نیست؛ زیرا صحت و مشروعیت عملیات مالی بدون ثبت صحیح و افشای دقیق قابل سنجش نمی‌باشد.

تفاوت مبنایی مدیریت مالی اسلامی با مدیریت مالی متعارف در اهداف آن نهفته است، در مدیریت مالی متعارف هدف اصلی حداکثرسازی ثروت سهام‌دار است و اصول اخلاقی یا مشروعیت معاملات نقش حداقلی دارند. اما در مدیریت مالی اسلامی، هدف تلفیق سودآوری با عدالت اقتصادی و خیر جمعی است. این تفاوت به‌طور مستقیم ساختار حسابداری را متأثر می‌سازد به گونه‌ای که معیار تصمیم‌گیری در مدیریت مالی اسلامی از سود و ریسک مرسوم به مشروعیت همراه با سود و عدالت تغییر می‌کند و معیار ارزش در آن به ارزش واقعی فعالیت تجاری و آثار اجتماعی آن ارتقاء می‌یابد. بنابراین حسابداری اسلامی باید از معیارهای صرفاً سودمحور فراتر

^۱ Ahmed & Khatun

رفته و توازن بین منفعت فردی و مصالح عمومی را در سنجش عملکرد لحاظ کند (آوانگ و نوردین^۱، ۲۰۱۹).

در نظام مالی اسلامی ابزار حاکمیت شرعی و تضمین‌کننده مشروعیت فعالیت‌های اقتصادی است. نقش حسابداری در تحقق مدیریت مالی اسلامی به شرح زیر است:

- اندازه‌گیری و افشای مشروعیت معاملات
 - ثبت دقیق عقود شرعی و جلوگیری از اختلاط ربا و معاملات غیرمشموع
 - بنیاد تصمیم‌گیری مدیران بر اساس اصول فقهی
 - تضمین عدالت اطلاعاتی برای ذی‌نفعان
 - ارتقای شفافیت، مقابله با فساد مالی و حفظ حق الناس (سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی، ۲۰۲۰).
- در واقع حسابداری از یک ابزار صرفاً فنی، به نظام اخلاقی-نظارتی تبدیل می‌شود (احمد و خاتون، ۲۰۲۱).

چارچوب نظری حسابداری مبتنی بر پاسخگویی تاکید بر ضرورت پاسخگویی در نظام حسابداری دارد (زارع و همکاران، ۱۴۰۰). علی‌رغم تاکید بر ضرورت پاسخگویی، مدیریت مالی اسلامی و تأثیر آن بر ساختار حسابداری در عمل موجب تغییرات عملی قابل توجه در حسابداری می‌شود، از جمله: بازطراحی گزارشگری سود بر مبنای سود مشروع؛ ثبت دقیق ریسک در قراردادهای مشارکتی؛ ارزش‌گذاری دارایی‌ها با توجه به آثار اجتماعی و واقعی آن‌ها؛ افشای اضافی جهت تضمین پاسخگویی شرعی و توسعه شاخص‌های عملکرد اسلامی مانند شاخص رعایت شریعت و شاخص ارزش‌آفرینی اجتماعی. این موارد نشان می‌دهد که حسابداری اسلامی فقط نسخه اصلاح‌شده‌ی حسابداری متعارف نیست، بلکه چارچوب مفهومی مستقل دارد که متناسب با اهداف مدیریت مالی اسلامی طراحی شده است. دیانتی دیلمی و همکاران (۱۳۹۵) دریافتند که استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری در ایران علاقه‌مند به افشا اطلاعات در زمینه‌های مختلف مانند رعایت موازین شرعی، عدم وقوع تقلب مالی، رعایت الزامات مبارزه با پولشویی، رعایت حقوق کارگران و کارمندان، توجه به رعایت حقوق مصرف‌کنندگان، حفظ الزامات توجه به محیط زیست، توجه به بهره‌وری، تعالی و پیشرفت، عدم اسراف و توجه به کیفیت محصول هستند و این اطلاعات می‌تواند برای استفاده‌کنندگان مفید باشد. حسابداری

¹ Awang & Nordin

مدیریت اسلامی هم به عنوان ابزار ارائه اطلاعات در محیط اقتصادی، که این اطلاعات می‌تواند خروجی‌های حاصل از سیستم حسابداری اسلامی باشد، باید موجبات دستیابی به این مهم را فراهم آورد (گوران حیدری و همت فر، ۱۳۹۴).

جمع‌بندی مبانی نظری نشان می‌دهد که رابطه مدیریت مالی اسلامی و حسابداری یک رابطه تکاملی و دوطرفه است؛ مدیریت مالی جهت را تعیین می‌کند و حسابداری ابزار تحقق و نظارت آن را فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر دقیقاً در این فضای شکاف میان نظریه فقهی و اجرا به دنبال ارائه الگو و راهکار است.

۳. روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی - توسعه‌ای بوده و از نظر ماهیت و روش اجرا، یک پژوهش ترکیبی اکتشافی است. دلیل انتخاب این روش آن است که ابعاد مؤثر فقه اقتصادی اسلام بر شیوه‌های حسابداری و مدیریت مالی ابتدا باید از طریق استخراج مفاهیم از داده‌های کیفی شناسایی شوند و سپس در مرحله کمی اعتبارسنجی گردند.

روش گردآوری داده‌ها در بخش کیفی پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته است. جامعه آماری پژوهش متخصصان فقه اقتصادی، حسابداری اسلامی و مدیران مالی آشنا با بانکداری/ سازمان‌های اسلامی هستند که به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. حجم نمونه ۱۵ خبره بوده و با توجه به معیارهایی از جمله داشتن حداقل ۵ سال تجربه پژوهشی یا اجرایی مرتبط، داشتن آثار علمی در حوزه اقتصاد اسلامی و حسابداری و آشنایی با ساختارهای مالی اسلامی انتخاب شدند. انجام مصاحبه تا رسیدن به مرز اشباع ادامه یافت.

محورهای اصلی مصاحبه را بررسی نقش فقه اقتصادی در شفافیت مالی، بررسی الزامات شرعی در حسابداری اسلامی، آثار مدیریت مالی اسلامی و ... تشکیل داد. از روش تحلیل محتوای کیفی برای تجزیه، طبقه‌بندی و تحلیل یافته‌ها استفاده شد. فرایند کدگذاری در این بخش، کدگذاری سه‌گانه باز، محوری و انتخابی بود. کدگذاری توسط ۲ تحلیل‌گر مستقل انجام شد. از ضریب کاپا که به عنوان معیاری برای سنجش توافق بین دو کدگذار به کار می‌رود، استفاده گردید.

تحلیل بخش کمی پژوهش از طریق محاسبه شاخص CVR انجام شد. هدف بخش کمی، اعتبارسنجی شاخص‌ها و ابعاد استخراج‌شده در مرحله کیفی است. روش گردآوری داده‌های کمی

پرسشنامه محقق ساخته است و پاسخ دهندگان، همان خبرگان مرحله کیفی (۱۵ نفر) می باشند. براساس قانون لاوشه^۱، مقدار حداقلی برای ۱۵ خبره $\approx ۰,۴۹$ در نظر گرفته شد.

جدول (۱) به مشخصات جمعیت شناختی خبرگان می پردازد.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی خبرگان مصاحبه شونده

کد مصاحبه	جنسیت	سن	مدرک تحصیلی	رشته تخصصی	سابقه کاری مرتبط - سال	نوع سازمان	سمت
E01	مرد	45	دکتری	فقه و مبانی حقوق	18	دانشگاه	عضو هیئت علمی
E02	مرد	50	دکتری	مدیریت مالی اسلامی	22	بانک	مدیر ارشد اعتبارات
E03	زن	38	دکتری	حسابداری	12	دانشگاه	استادیار
E04	مرد	42	دکتری	بانکداری اسلامی	15	پژوهشگاه	پژوهشگر
E05	زن	35	دکتری	اقتصاد اسلامی	10	دانشگاه	استادیار
E06	مرد	48	کارشناسی ارشد	حسابداری	20	بانک	مستول گزارشگری
E07	مرد	52	دکتری	فقه اقتصادی	24	حوزه علمیه	استاد
E08	زن	40	دکتری	مالی	14	دانشگاه	مدرس
E09	مرد	37	کارشناسی ارشد	مدیریت مالی	11	سازمان دولتی	کارشناس ارشد نظارت شرعی
E10	زن	33	دکتری	حسابداری	8	دانشگاه	هیئت علمی
E11	مرد	49	کارشناسی ارشد	حقوق مالی	20	موسسه مالی	مدیر ریسک
E12	مرد	44	دکتری	حسابرسی	17	شرکت حسابرسی	مدیر فنی
E13	زن	39	کارشناسی	اقتصاد	13	بانک	سرپرست تطبیق

¹ Lawshe

کد مصاحبه	جنسیت	سن	مدرک تحصیلی	رشته تخصصی	سابقه کاری مرتبط - سال	نوع سازمان	سمت
			ارشد				شرعی
E14	مرد	46	دکتری	مالی اسلامی	19	پژوهشگاه	عضو هیئت علمی
E15	مرد	41	دکتری	حسابداری	16	بانک	مدیر مالی

به منظور انجام مصاحبه تمامی پروتکل‌های مصاحبه شامل تهیه فرم‌ها، انتخاب مصاحبه شونده‌گان و ... رعایت شده‌اند. تمامی خبرگان مشارکت کننده در امر مصاحبه، به تکمیل آن اقدام کردند. نمونه از نظر تخصص و تجربه تنوع و کفایت لازم را داراست.

مراحل انجام گدگذاری عبارتند از:

- مرحله اول این بخش که آماده‌سازی داده‌ها بود، انجام شد. در این مرحله، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته با خبرگان انجام شد. تعداد مصاحبه‌ها تا حد اشباع نظری ادامه یافت و تمام مصاحبه‌ها ضبط، پیاده‌سازی و چندین بار خوانده شدند و جملات یا عبارات مرتبط با تأثیر فقه اقتصادی اسلام بر شیوه‌های حسابداری و مدیریت مالی در سازمان‌های اقتصادی تحلیل شدند.
- مرحله دوم، گدگذاری اولیه بود. در این مرحله، پژوهشگر هر جمله را بر اساس معنا و مفهوم کلیدی برجسب‌گذاری کرد. به‌طور مثال جلوگیری از بهره‌پوششی، دقت در انعقاد مباحه، عدم جریمه دیرکرد ربوی، ارائه گزارش انطباق شرعی. حاصل این مرحله: بیش از ۱۰۰ کد اولیه بود.
- مرحله سوم، شناسایی مضامین اولیه بود. در این مرحله کدهای مشابه و مرتبط در قالب دسته‌های مفهومی بزرگ‌تر گروه‌بندی شدند.
- مرحله چهارم، مرور مضامین است. در این مرحله، مضامین اولیه مورد بازنگری قرار گرفتند تا تداخل یا هم‌پوشانی حذف شود.
- تعداد آن‌ها با تجميع مضامین هم‌معنا به ۱۰ مضمون اصلی کاهش یافت. در این گام دو معیار اصلی مد نظر قرار گرفت، نخست انسجام درونی (کدهای هر مضمون با یکدیگر هم‌معنا باشند) و دوم تمایز بیرونی (مضامین با هم هم‌پوشانی نداشته باشند).

- مرحله پنجم، مرحله استخراج مضامین محوری بود. در نهایت، مضامین اصلی بر اساس فراوانی، ارتباط مفهومی، و نقش آن‌ها در قالب ۵ مضمون محوری طبقه‌بندی شدند.
- مرحله ششم، مرحله اعتبارسنجی مضامین بود که برای اطمینان از اعتبار مضامین با استفاده از معیار ضریب کاپا، پایایی بین‌کدگذار مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و سپس الگوی به دست‌آمده توسط خبرگان دانشگاهی مورد بررسی همتایی قرار گرفت.

اجماع نظرات (CVR)

در این مرحله از فرآیند اجراء پژوهش، پرسشنامه‌ای مبتنی بر طیف لیکرت پنج تایی تهیه شد و برای خبرگان پژوهش ارسال شد. هدف اصلی این پرسشنامه، کسب اجماع در خصوص مؤلفه‌های تأثیر فقه اقتصادی اسلام بر شیوه‌های حسابداری و مدیریت مالی بود. با استفاده از شاخص ضریب CVR میزان همگرایی نظرات بررسی شد. مؤلفه‌هایی که ضریب CVR آن‌ها کمتر از ۰,۴۹ داشته‌اند، از فهرست مؤلفه‌ها حذف شدند.

۴. یافته‌ها

بخش کیفی

ماحصل به‌کارگیری روش‌های پژوهش، طبقه‌بندی مضامین به‌دست آمده و ارزیابی شاخص CVR بود که در این بخش نسبت به ارائه آن‌ها اقدام شد. در ادامه جدول طبقه‌بندی یافته‌ها مطابق ساختار تحلیل محتوا (کدهای اولیه، باز، اصلی و محوری) ارائه می‌شود.

جدول (۲) طبقه‌بندی داده‌های کیفی (نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها)

ردیف	مقوله محوری (انتخابی)	کدهای اصلی مرتبط	تعداد کدهای باز	تعداد کدهای اولیه	نمونه کدهای استخراج‌شده
1	شفافیت و امانت‌داری مالی	افشاگری کامل اطلاعات	10	20	افشای محل مصرف سرمایه، تفکیک وجوه شرعی، پاسخگویی مالی.
		امانت‌داری و جلوگیری از تحریف			
2	مشروعیت معاملات و منع ربا	حذف بهره از ثبت‌ها	9	18	جلوگیری از بهره پوششی، مبنای سود مشروع، دقت در انعقاد

ردیف	مقوله محوری (انتخابی)	کدهای اصلی مرتبط	تعداد کدهای باز	تعداد کدهای اولیه	نمونه کدهای استخراج شده
		ثبت صحیح عقود اسلامی			مراجعه.
3	عدالت مالی و حق الناس	حمایت از ذی نفعان ضعیف توزیع منصفانه منابع	11	21	عدم جرمه دیرکرد ربوی، جبران خسارت واقعی، حمایت از سپرده‌گذاران.
4	نظارت شرعی و پاسخگویی	کنترل شرعی معاملات گزارشگری انطباق شرعی	10	21	نقش نهاد ناظر شرعی، ارائه گزارش انطباق شرعی، پیشگیری از فساد.
5	استانداردهای بومی حسابداری اسلامی	بومی‌سازی AAOIFI رفع تعارض با IFRS	10	20	تدوین مبانی حسابداری اسلامی ایران، افشای ریسک‌های شرعی

100

50

تشریح مضامین

✓ شفافیت و امانتداری مالی

شفافیت و امانتداری مالی در فقه اقتصادی اسلام یکی از اصول بنیادین اخلاق اقتصادی و مسئولیت‌پذیری حسابداران است. طبق آموزه‌های اسلامی، اطلاعات مالی نه تنها ابزاری برای تصمیم‌گیری اقتصادی، بلکه وسیله‌ای برای تحقق عدالت، اعتماد اجتماعی و جلوگیری از فساد است. در نظام مالی اسلامی، حسابدار به عنوان «امین» شناخته می‌شود؛ یعنی موظف است واقعیت‌های مالی را بدون تحریف، کتمان یا ارائه ناقص گزارش کند. این اصل با حق الناس و تعهد شرعی در ارتباط مستقیم قرار دارد. در پژوهش حاضر، خبرگان تأکید کردند که شفافیت در گزارشگری مالی باعث کاهش ریسک‌های پنهان، تقویت اعتماد ذی‌نفعان و افزایش کارایی تخصیص منابع می‌شود. برای مثال، تفکیک دقیق وجوه سپرده‌ای در بانکداری اسلامی (مانند سپرده‌های سرمایه‌گذاری مشارکتی) از الزامات شرعی و گزارشگری است و در صورت عدم رعایت منجر به شبهه ربا و اختلاط وجوه می‌شود. همچنین، شفافیت در تعیین سود واقعی و

افشای محل مصرف سرمایه‌ها، تضمین می‌کند که مشارکت مالی مطابق با قواعد اسلامی انجام شده و سرمایه‌گذار در جریان روند کسب سود قرار دارد. از سوی دیگر، امانتداری مالی در فقه اسلامی صرفاً یک وظیفه حرفه‌ای نیست؛ بلکه یک تکلیف الهی است. بنابراین، گزارشگری نادرست، دستکاری در ارقام مالی، یا حتی افشای گزینشی اطلاعات در اسلام مصادیق خیانت و تضییع حق الناس محسوب می‌شود. خبرگان بیان داشتند که استقرار نظام‌های هوشمند نظارتی و ثبت دقیق فرآیندهای مالی می‌تواند از تخلفات احتمالی جلوگیری کند. در نتیجه، شفافیت و امانتداری مالی نه تنها سطح کیفیت حسابداری را ارتقا می‌دهد، بلکه اعتماد عمومی به نظام مالی اسلامی را نیز تقویت کرده و زمینه‌ساز توسعه پایدار اقتصادی می‌گردد.

✓ مشروعیت معاملات و منع ربا

مشروعیت معاملات و پرهیز از ربا، محور اصلی تمایز نظام مالی اسلام از نظام مالی متعارف است. ربا در اقتصاد اسلامی به عنوان عاملی برای ظلم، رکود تولید، و بی‌عدالتی در توزیع درآمد معرفی شده است، و حسابداری اسلامی باید طوری طراحی شود که هیچ‌گونه سود تضمین‌شده و بهره‌محور در ثبت‌ها و شناسایی درآمدها باقی نماند. خبرگان اذعان داشتند که بسیاری از معاملات بانکی در ایران گرچه ظاهر اسلامی دارند، اما در عمل شکل‌های پنهانی از ربا مشاهده می‌شود؛ بنابراین، نقش حسابداری شفاف در اثبات مشروعیت معاملات حیاتی است. در حسابداری مباحه، سود باید ناشی از صورت حساب واقعی خرید باشد، نه بهره ناشی از زمان. در مشارکت و مضاربه نیز ثبت‌ها باید مبتنی بر ریسک‌پذیری واقعی و مشارکت در سود و زیان باشد؛ نه اینکه بانک سود ثابت دریافت کند. این مورد در تحلیل‌ها به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌ها معرفی شد. به‌ویژه شناسایی و ثبت «سود علی الحساب» از دیدگاه فقهی بیم آن می‌رود که منجر به شکل‌گیری ربا شود، اگر تسویه نهایی منطبق با سود واقعی نباشد. همچنین، اسناد معاملات شرعی باید دقیق، مستدل و قابل پیگیری باشد تا حسابداران و ناظران شرعی بتوانند براساس آن مشروعیت اقتصادی و شرعی عملیات مالی را اثبات کنند. لذا خبرگان بر ضرورت بازنگری در چارچوب‌های حسابداری کنونی برای مواجهه با عقود اسلامی تأکید کردند. بر پایه یافته‌ها، هرگونه ابهام در فرایند سودآوری و جریان‌های نقدی نه تنها از نظر گزارشگری، بلکه از حیث شرعی نیز چالش‌آفرین است. نتیجه اینکه حسابداری اسلامی باید نگرهبان مشروعیت باشد و مانع ورود رفتارهای ربوی در پوشش عناوین اسلامی گردد.

✓ عدالت مالی و حق الناس

عدالت مالی در اسلام مفهومی بنیادی است و تأثیر مستقیم بر جهت‌گیری حسابداری و مدیریت مالی دارد. هدف اصلی اقتصاد اسلامی تنها افزایش سود و ثروت نیست، بلکه تضمین حقوق تمامی ذی‌نفعان و جلوگیری از ظلم اقتصادی است. حسابداری باید اطلاعاتی را فراهم کند که توزیع منافع و تعهدات به‌صورت منصفانه و شفاف انجام گیرد. حق الناس در این میان به معنای عدم تضییع سهم افراد و جلوگیری از ایجاد شکاف بین صاحبان سرمایه، کارکنان، مصرف‌کنندگان و جامعه است. در پژوهش حاضر، خبرگان تأکید کردند که محاسبه سود در بانکداری اسلامی باید نتیجه مشارکت واقعی باشد و نباید منجر به اجحاف نسبت به سپرده‌گذاران شود. اگر بانک به‌واسطه کاهش شفافیت یا روش‌های محاسباتی مغایر با عدالت عمل کند، این امر از مصادیق تضییع حق الناس به شمار می‌آید. همچنین، اعمال جرمه‌های دیرکرد ربوی یا قراردادهایی که ضرر یک‌طرفه برای مشتری ایجاد کند در عرف اسلامی ممنوع است. حسابداری اسلامی با ارائه اطلاعات مناسب می‌تواند به کاهش نابرابری، تقویت مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها و حمایت از افشار آسیب‌پذیر کمک کند. این پشتیبانی نه‌تنها در سطح فردی بلکه برای ایجاد یک نظام اقتصادی سالم و پایدار ضروری است. بنابراین، عدالت مالی یک عنصر صرفاً نظری یا اخلاقی نیست؛ بلکه نقش عملی و تعیین‌کننده‌ای در طراحی استانداردها، شیوه‌های گزارشگری و سازوکارهای ارزیابی عملکرد دارد. به‌طور خلاصه، اگر عدالت در حسابداری رعایت نشود، نظام مالی اسلامی از هدف خود یعنی توسعه عادلانه و انسانی اقتصاد دور خواهد شد. بدین ترتیب، این مقوله یک معیار کلیدی برای سنجش میزان موفقیت و صحت عملکرد نهادهای مالی اسلامی محسوب می‌شود.

✓ نظارت شرعی و پاسخگویی

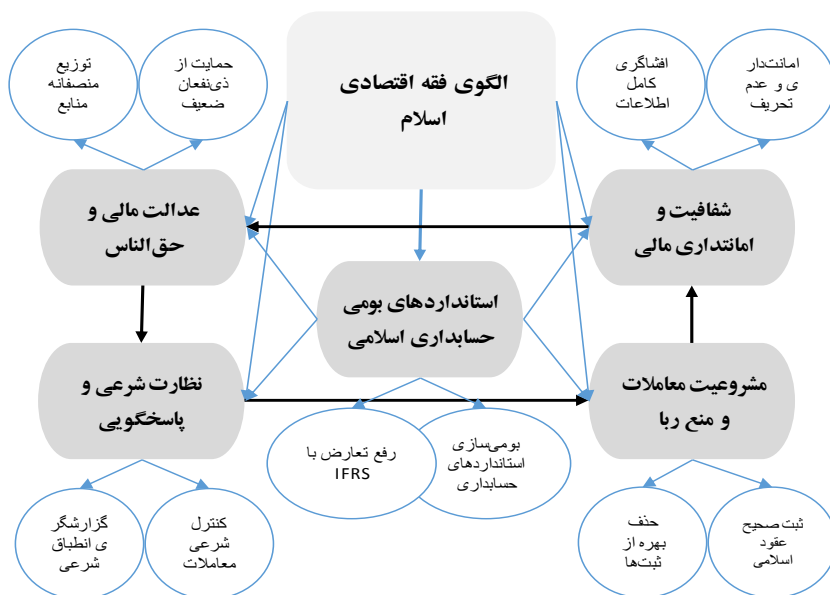
نظارت شرعی یکی از ارکان اساسی بانکداری و حسابداری اسلامی است و به‌عنوان یک سازوکار پیشگیرانه و کنترلی عمل می‌کند. وظیفه اصلی آن تضمین انطباق تمامی فرآیندهای مالی با احکام فقهی و ممانعت از بروز معاملات نامشروع یا شبهه‌دار است. در پژوهش حاضر، خبرگان به اتفاق معتقد بودند که حسابدار اسلامی باید علاوه بر مسئولیت حرفه‌ای، مسئولیت شرعی نیز بر عهده داشته باشد و هرگونه انحراف از اصول فقهی را به‌موقع گزارش دهد. این نظارت از دو جنبه اهمیت دارد: (۱) نظارت ساختاری از طریق نهادهای رسمی همچون شورای فقهی؛ (۲) نظارت فرآیندی در سطح حسابداری، ثبت رویدادها و گزارشگری مالی.

وجود گزارش انطباق شرعی که همراه صورت‌های مالی ارائه شود، از پیشنهادات مهم خبرگان برای جلوگیری از تخلفات و افزایش پاسخگویی به جامعه اسلامی بود. این گزارش می‌تواند شامل مواردی چون میزان مشارکت واقعی، مصارف سرمایه‌گذاری و ارزیابی معاملات شبهه‌دار باشد. نقش حسابداری در این بخش بسیار پررنگ است؛ زیرا ناظران شرعی عمدتاً تصمیمات خود را مبتنی بر مستندات حسابداری اتخاذ می‌کنند. بدین سبب، هرگونه نقص اطلاعاتی، عدم شفافیت یا اختلال در ثبت‌ها می‌تواند راه نفوذ ربا و معاملات حرام را باز کند. بنابراین، تعامل نزدیک میان نهادهای نظارت شرعی و واحدهای حسابداری ضروری است. از دیدگاه خبرگان، ارتقای فناوری اطلاعات، طراحی سیستم‌های حسابداری متناسب با عقود اسلامی و آموزش نیروهای متخصص می‌تواند سطح انطباق شرعی و پاسخگویی را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. در نهایت، هدف نظارت شرعی ایجاد اطمینان برای جامعه است که عملیات مالی در چارچوب مقاصد شریعت انجام می‌شود.

✓ استانداردهای ملی حسابداری اسلامی

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، ضرورت بومی‌سازی استانداردهای حسابداری اسلامی متناسب با ساختار فقهی و اقتصادی ایران است. به‌رغم تلاش‌هایی برای استفاده از استانداردهای بین‌المللی مانند IFRS و استانداردهای مبتنی بر AAOIFI، هنوز کاستی‌هایی وجود دارد که منجر به تعارض بین نظام گزارشگری مالی موجود و اصول اقتصاد اسلامی می‌شود. خبرگان معتقد بودند که استانداردهای موجود عمدتاً از تفکر مالی غربی نشأت گرفته‌اند که مبتنی بر بهره‌محوری، سود حداکثری کوتاه‌مدت و ارزش‌گذاری بازار آزاد است؛ در حالی که اقتصاد اسلامی اهدافی مانند عدالت، مشروعیت، ایجاد ارزش واقعی و شفافیت را دنبال می‌کند. به‌عنوان مثال، در عقود مشارکتی، سود واقعی پس از پایان پروژه مشخص می‌شود؛ اما استانداردهای کنونی بانک‌ها را ناگزیر به شناسایی و توزیع سود علی‌الحساب می‌سازد و این موضوع می‌تواند از منظر شرعی چالش‌زا باشد. همچنین، مفاهیمی مانند زکات، وقف، ریسک شرعی و حق الناس در استانداردهای متداول حسابداری پوشش کافی ندارند. خبرگان پیشنهاد کردند که تدوین استانداردهای بومی با محوریت فقه امامیه و انطباق‌پذیری با شرایط بومی ایران در دستور کار نهادهای علمی و سیاستی قرار گیرد. این اقدام علاوه بر تقویت مشروعیت گزارشگری مالی، باعث افزایش اعتماد عمومی به بانکداری اسلامی و توسعه بازارهای مالی مبتنی بر شریعت می‌شود. در مجموع، حسابداری اسلامی نیازمند چارچوب‌های استاندارد منسجم

است تا بتواند در رقابت با نظام مالی بین‌المللی حضور موفق داشته باشد. این استانداردسازی بومی، گامی مهم در راستای استقرار کامل نظام مالی اسلامی در ایران خواهد بود. مدل مفهومی پژوهش به شرح زیر در شکل (۱) به تصویر کشیده شده است.



شکل ۱. الگوی مؤثر فقه اقتصادی اسلام بر شیوه‌های حسابداری و مدیریت مالی

ارزیابی کیفیت یافته‌ها در دو مرحله انجام شد. نخست در مرحله گذرایی این امر محقق شد به طوریکه پس از انجام محاسبات لازم، میزان توافقات مشاهده شده برابر با ۰,۸۱۱ برآورد شد و میزان توافقات شانس برابر با ۰,۱۸۹ تعیین گردید. با جای‌گذاری این نتایج، مقدار نهایی کاپا به ۰,۷۶۶ رسید که بالاتر از سطح قابل قبول ۰,۶ محسوب و این موضوع بر صحت و قابلیت اعتماد نتایج تحقیق تاکید داشته و سبب اطمینان خاطر می‌شود. به عبارتی ضریب کاپا در سطح توافق خوب قرار دارد. سپس نسبت به جلب اجماع از طریق توزیع پرسشنامه مجدد بین همان خبرگان و محاسبه ضریب CVR انجام شد.

بخش کمی

اجماع نظر خبرگان با استفاده از شاخص (CVR)

مرحله اجماع نظر بر شاخص‌ها از طریق پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۵ تایی (۱ تا ۵) طراحی و بین همان گروه خبرگان توزیع شد. جدول (۴) نحوه تبدیل تبدیل پرسشنامه لیکرت پنج گزینه‌ای به مقیاس ضریب CVR را به تصویر کشیده است.

جدول ۴. تبدیل پرسشنامه لیکرت پنج گزینه‌ای به مقیاس ضریب CVR

گزینه	1	2	3	4	5
عنوان	کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم
معیار ضرورت	غیر ضروری یا خنثی	غیر ضروری یا خنثی	غیر ضروری یا خنثی	ضروری	ضروری

فرمول محاسبه CVR به شرح زیر می‌باشد:

$$CVR = \frac{n_e - \frac{n}{2}}{\frac{n}{2}}$$

معیار شناسایی مقدار بحرانی (حداقل قابل قبول CVR) جدول لاوشه می‌باشد و با توجه به اینکه خبرگان پژوهش ۱۵ نفر هستند، بنابراین مقدار قابل قبول برابر است با ۰/۴۹، در نتیجه چنانچه مقدار ضریب کمتر از حد قابل قبول باشد، آیتم مورد نظر از لحاظ محتوایی نامعتبر است.

جدول ۵. اجماع نظر خبرگان بر شاخص‌ها از طریق محاسبه ضریب CVR (یافته‌های پژوهش)

شماره آیتم	شرح آیتم	تعداد ضروری‌ها (n _e)	ضریب CVR	اعتبار
1	افشاگری کامل اطلاعات	14	0.87	معتبر
2	امانت‌داری و جلوگیری از تحریف	15	1.00	معتبر
3	حذف بهره از ثبته‌ها	13	0.73	معتبر
4	ثبوت صحیح عقود اسلامی	15	1.00	معتبر
5	حمایت از ذی‌نفعان ضعیف	13	0.73	معتبر
6	توزیع منصفانه منابع	14	0.87	معتبر

شماره آیتم	شرح آیتم	تعداد ضروری‌ها (n _e)	ضریب CVR	اعتبار
7	کنترل شرعی معاملات	12	0.60	معتبر
8	گزارشگری انطباق شرعی	12	0.60	معتبر
9	بومی‌سازی استانداردهای حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی	14	0.87	معتبر
10	رفع تعارض با IFRS	14	0.87	معتبر

نتایج آزمون روایی محتوا (CVR) نشان داد که ۱۰ مضمون استخراج‌شده از تحلیل کیفی به دلیل ارتباط قوی با فقه اقتصادی اسلام و تأثیر آن بر حسابداری و مدیریت مالی، از دید خبرگان ضروری شناخته شده‌اند و در مدل نهایی باقی ماندند.

- افشاگری کامل و شفافیت اطلاعات: خبرگان تأکید کردند که شفافیت پایه عدالت مالی و جلوگیری از فساد اقتصادی است. این مضمون به‌ویژه در گزارشگری بانک‌های اسلامی اهمیت دارد.
- امانتداری در تهیة و ارائه گزارش‌های مالی: امانتداری در اسلام یک اصل شرعی است که انحراف اطلاعات و دستکاری سود را ممنوع می‌داند و بر اخلاق حرفه‌ای حسابداران اثر می‌گذارد.
- حذف ربا از محاسبات مالی: کارشناسان تأکید کردند که گزارشگری مالی باید سازوکارهایی ارائه دهد تا منابع درآمدی ربوی شناسایی و حذف شوند.
- ثبت و اندازه‌گیری مبتنی بر عقود اسلامی: حسابداری باید قادر به ثبت صحیح مباحه، مشارکت، مضاربه و سایر عقود باشد تا صورت‌های مالی منعکس‌کننده مشروعیت معاملات باشند.
- صیانت از حقوق ذی‌نفعان و حق الناس: منطق عدالت ایجاب می‌کند که منافع سهامداران، سپرده‌گذاران و جامعه در صورت‌های مالی منصفانه نشان داده شود.
- توزیع عادلانه ریسک و بازده: در اسلام ریسک به‌صورت عادلانه بین طرفین تقسیم می‌شود و این رویکرد باید در مدیریت مالی نهادینه شود.
- کنترل و نظارت شرعی مستمر: وجود هیئت نظارت شرعی و گزارش‌های انطباق شرعی مورد تأکید جدی متخصصان بود.

- پاسخگویی اجتماعی و مالی: سازمان نه تنها به مالکان، بلکه در برابر جامعه و خداوند پاسخگو است؛ این رویکرد در حسابداری اسلامی برجسته است.
 - بومی سازی استانداردهای حسابداری اسلامی: لزوم تطبیق استانداردهای AAOIFI با ساختار مالی و فرهنگی ایران مورد تأیید خبرگان قرار گرفت.
 - هماهنگی با ابزارهای نوین مالی اسلامی: پیش بینی و تسهیل گزارشگری برای صکوک، وقف و زکات از انتظارات کلیدی سیستم مالی اسلامی است.
- تمامی مؤلفه ها دارای CVR بالاتر از حد توافق لاوشه بوده و از دید خبرگان ضروری تشخیص داده شدند؛ بنابراین در مدل مفهومی نهایی باقی مانده و مبنای تدوین معیارهای سنجش قرار می گیرند.

۵. نتیجه گیری

هدف اصلی این پژوهش، تبیین و تفسیر تأثیر فقه اقتصادی اسلام بر شیوه های حسابداری و مدیریت مالی در سازمان ها و نهادهای مالی اسلامی، به ویژه در ایران، بود. برای دستیابی به این هدف، پژوهش ابتدا با روش کیفی تحلیل محتوا و انجام مصاحبه های نیمه ساختاریافته با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه فقه، حسابداری و مدیریت مالی اجرا شد. تحلیل داده ها منجر به استخراج ۱۰۰ کد اولیه، ۵۰ کد باز، ۱۰ کد اصلی و در نهایت ۵ مقوله انتخابی گردید. سپس با بهره گیری از روش کمی و سنجش CVR، اعتبار محتوا و ضرورت هر یک از مؤلفه ها تأیید شد. در ادامه یافته ها در قالب یک مدل تلفیقی مفهومی ارائه شد.

نتایج نشان دهنده آن است که فقه اقتصادی اسلام می تواند نقشی بنیادین و هدایت گر در ارتقای شفافیت، عدالت مالی، مشروعیت معاملات و پاسخگویی شرعی در نظام حسابداری و مدیریت مالی ایفا کند. این نتایج بیانگر آن است که حسابداری اسلامی صرفاً یک تغییر سطحی در مفاهیم حسابداری سنتی نیست، بلکه یک تحول معرفتی و ارزشی مبتنی بر جهان بینی اسلامی محسوب می شود؛ تحولی که در آن حفظ حق الناس، پرهیز از ربا، امانتداری و دسترسی منصفانه به اطلاعات مالی، اصول بنیادی به حساب می آیند.

بر اساس نتایج پژوهش، مقوله های اصلی تأثیرگذار شامل موارد زیر بودند: (۱) شفافیت و امانتداری مالی؛ (۲) مشروعیت معاملات و منع ربا؛ (۳) عدالت مالی و حق الناس؛ (۴) نظارت شرعی و پاسخگویی؛ (۵) استانداردهای بومی حسابداری اسلامی. این عوامل به طور هم زمان و متقابل بر کیفیت گزارشگری مالی و تصمیم گیری های اقتصادی اثر می گذارند. نتیجه آنکه، یک نظام مالی

اسلامی کارآمد باید اطلاعات مالی را صادقانه و بدون پنهان‌کاری ارائه کند، ریسک و بازده را عادلانه توزیع نماید، معاملات غیرمشروع و ربوی را حذف کند و با بهره‌گیری از هیئت نظارت شرعی، مشروعیت فرایندها را تضمین نماید. همچنین، استانداردهای موجود مانند استانداردهای حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی باید متناسب با شرایط اقتصادی، حقوقی و فرهنگی ایران بومی‌سازی شوند. از سوی دیگر، یافته‌ها نشان دادند که حسابداری و مدیریت مالی اسلامی صرفاً به ثبت اعداد و اقلام مالی محدود نیستند، بلکه بخشی از نظام اخلاق‌محور اسلام را تشکیل می‌دهند. حسابداری اسلامی یک ابزار کنترلی برای رعایت عدالت، جلوگیری از فساد مالی، صیانت از حقوق سپرده‌گذاران و سهام‌داران و پاسخگویی در برابر جامعه و خداوند تلقی می‌شود. در چنین چارچوبی، حسابدار نه تنها به‌عنوان یک متخصص فنی، بلکه به‌عنوان امین جامعه در حفظ سرمایه‌های اقتصادی محسوب می‌شود.

مدل مفهومی نهایی که در این پژوهش ارائه شد، قابلیت کاربرد در زمینه‌های مختلف بانکی و مالی اسلامی دارد. این مدل می‌تواند در اصلاح رویه‌های حسابداری بانک‌ها، طراحی سیستم‌های کنترل و نظارت شرعی، تدوین شاخص‌های افشا، انتشار گزارش‌های انطباق شرعی، ارتقای اخلاق حرفه‌ای و نیز بهبود استانداردهای حسابداری نقش‌آفرین باشد. از لحاظ کاربردی، سازمان‌ها و به‌ویژه نظام بانکی اسلامی در ایران می‌توانند با الگوگیری از این مدل، اقداماتی از جمله آموزش حسابداری اسلامی به کارکنان، ایجاد کمیته شرعی تخصصی، تدوین رویه‌های نظارتی داخلی مبتنی بر شریعت، توسعه سامانه‌های اطلاعاتی سازگار با عقود اسلامی و اصلاح قراردادهای ساختارهای تأمین مالی را دنبال کنند. این اقدامات در نهایت موجب افزایش اعتماد عمومی، جذب سرمایه‌های اجتماعی و ارتقای سلامت مالی کشور خواهد شد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که پیوند حسابداری و مدیریت مالی با اصول فقه اقتصادی اسلام نه تنها ممکن است، بلکه ضرورتی استراتژیک برای تحقق مأموریت نظام مالی اسلامی محسوب می‌شود. ادامه این مسیر می‌تواند زمینه‌ساز نوآوری‌های گسترده در حوزه مالیه اسلامی و تقویت هویت اقتصادی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی در ایران و سایر کشورهای مسلمان باشد.

پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

- سنجش الگوی پیشنهادی با استفاده از مدل‌سازی ساختاری (SEM)
- ارزیابی اثر اجرای حسابداری اسلامی بر کاهش ریسک اعتباری

منابع

- (۱) احمدی، فاطمه و علی وند، علی. (۱۴۰۳). طراحی مدل حسابداری اسلامی مبتنی بر آیات قرآن کریم (e716849). مطالعات وحدت حوزه و دانشگاه. doi:10.22034/jsusu.2024.2022535.1017
- (۲) پیری، حبیب، محرابی‌نیا، رضا و مرادقلی، جواد. (۱۴۰۴). شناسایی پیشران‌های پاسخگویی عملیاتی در بخش عمومی در محیط‌های اسلامی. حسابداری، حسابرسی و تامین مالی در محیط‌های اسلامی، (۶)، ۲۴-۳. doi: 10.22034/aafie.2024.463867.1043
- (۳) جوادی آملی، آیت‌الله. (۱۳۸۹). اصول کلی اقتصاد اسلامی و راهکارهای آن از منظر فقه. مجله علمی "پژوهش‌های فقهی"، (۱۶)، ۲۴-۵.
- (۴) حسینی، ص. (۱۳۸۲). مبانی نظری حسابداری اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- (۵) دیان‌تی دیلمی زهرا، منطقی خسرو، مشهدی سیده پریسا. بررسی ضرورت حسابداری اسلامی: از دید خبرگان دانشگاهی. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۱۳۹۵؛ ۱ (۱) ۲۴-۱. doi:10.18869/acadpub.aapc.1.1.1
- (۶) زارع، ایمان، غلامی جمکرانی، رضا، مرادی، محمد، بابایی فرد، اسدالله و جهانگیرنیا، حسین. (۱۴۰۰). پاسخگویی در حسابداری از منظر اسلام با محوریت تئوری ساختاری. تحقیقات مالی اسلامی، (۲)، ۱۰-۸۳۱. doi: 10.30497/ifr.2021.241861.1667
- (۷) شاه‌سنایی، احمدرضا، زکی‌زاده رنانی، علیرضا و خلیلی، علی. (۱۴۰۰). شاکله ادراک اندیشه اقتصادی اسلام. آموزه‌های اقتصاد اسلامی، (۱)، ۱۸۷-۲۱۴. doi: 10.30513/ied.2021.1447
- (۸) طجربلو، رضا و حسینی الموسوی، سید مجتبی. (۱۳۹۳). حقوق اقتصادی در فقه مذاهب اسلامی (مطالعه موردی زکات و احتکار). مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، (۳۸)، ۴۳-۵۵.
- (۹) گوران حیدری، سید فرهاد و همت فر، محمود. (۱۳۹۴). حسابداری مدیریت اسلامی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، (۱۳)، ۳۹-۳۲. doi:10.22034/iaas.2015.103470
- (۱۰) میر معزی، سید حسین. (۱۴۰۰). نظام اقتصادی اسلام (چیستی، هستی و امکان استنباط آن). جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی، (۳۵)، ۱۱۵-۱۴۳. doi:10.30471/iee.2021.8013.2148
- (۱۱) وحیدنیا، س. (۱۳۹۰). فقه معاملات و تأثیر آن بر نظام بانکی ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- (۱۲) یوسفی، ع. (۱۳۹۵). فقه اقتصادی و توسعه پایدار. قم: بوستان کتاب.

- 14) Ahmed, H., & Khatun, M. (2021). Islamic financial reporting and governance. *Journal of Islamic Accounting and Business Research*, 12(3), 356–374.
- 15) Chapra, M. U. (2008). *The Islamic vision of development in the light of maqasid al-shariah*. Islamic Research and Training Institute (IRTI).
- 16) Haniffa, R., & Hudaib, M. (2007). Exploring the ethical identity of Islamic financial institutions. *Journal of Business Ethics*, 76(1), 97–116. <https://doi.org/10.1007/s10551-006-9272-5>
- 17) Iqbal, Z., & Mirakhor, A. (2017). *Ethics and finance: An Islamic perspective*. Springer.
- 18) Khan, M., & Mirakhor, A. (2015). *Theoretical Foundations of Islamic Economics*. Jeddah: Islamic Research and Training Institute (IRTI).
- 19) Llewellyn, D. T. (2007). The development of Islamic finance in theory and practice. In S. Archer & R. Karim (Eds.), *Islamic finance: The new regulatory framework* (pp. 1–20). John Wiley & Sons.
- 20) Maali, B., Casson, P., & Napier, C. (2006). Social reporting by Islamic banks. *Abacus*, 42(2), 266–289.
- 21) Mirakhor, A., & Iqbal, Z. (2017). *Islamic finance: Ethics, governance and regulation*. Routledge.
- 22) Mukhlisin, M. (2022). Mind the gap: Theories in Islamic accounting and finance. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 14(3), 333–354.
- 23) Munir, K. S., & Aslam, M. (2020). Shariah governance and compliance reporting practices in Islamic banks: Evidence from emerging markets. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 18(2), 229–250.
- 24) Zubair Hasan, M., & Driffield, N. (2014). Islamic finance: Challenges and future directions. *Journal of Financial Regulation and Compliance*, 22(4), 301–317.
- 25) Zulkifli, Z., & Amran, A. (2006). Accountability and corporate reporting by Islamic banks: A case study. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 6(2), 162–176.